

پروین صمدی<sup>۱</sup>

### مقدمه

هیدا تابا<sup>۲</sup> مربی روسی که تحصیلات تکمیلی خود را در ایالات متحده سپراند. او در طول تحصیل خود علاقه مند به مدارس پیشرفتگرا و کارهای عملی طرح دالتون<sup>۳</sup> و رویکرد بوید<sup>۴</sup> شد. تابا از یادگیرنده محوری، تازگی و انعطاف پذیری این رویکرد آموزشی لذت می برد. زیرا تابا بیشتر از همه تحت تاثیر جان دیویی<sup>۵</sup> بود که از آغازگران جنبش آموزشی پیشرفتگرا<sup>۶</sup> محسوب می شود (تابا<sup>۷</sup>، ۱۹۳۲: Vii). در ادامه تابا با رالف دبلیو. تایلر<sup>۸</sup> آشنا شد که نقشی اساسی در تفکرات تابا به ویژه در زمینه برنامه ریزی درسی داشت. کتاب معروف تابا برنامه ریزی درسی: از نظریه تا عمل است که حتی امروزه در سیاستگذاری های برنامه ریزی درسی می تواند مفید باشد. ایده های کلی تابا برای بهبود تفکر یادگیرنده در خلال برنامه ریزی درسی منجر به شکل گیری پروژه های متعددی برای توسعه مهارت های حیاتی تفکر در دانش آموختگان و یادگیری همراه با ادراک شد. از جمله پروژه هایی که تابا انجام داد پروژه ساخت برنامه درسی مطالعات اجتماعی و پروژه آموزش و پرورش بین گروهی است. هر دو این پروژه ها نقش مهمی در پیشرفت تعلیم و تربیت به ویژه برنامه ریزی درسی جهان دارد (ایشام<sup>۹</sup> و تابا، ۱۹۸۲).

### الگوی برنامه ریزی درسی تابا

برنامه ریزی درسی تابا بیان می دارد که اهمیت یک برنامه آموزشی بیش از هر چیز به نحوه آماده سازی نسل جوان یک جامعه به صورت افرادی سازنده و مفید برای آن جامعه بستگی دارد (ملکی، ۱۳۸۵: ۱۰۴). از مهمترین الگوهای فنی برنامه ریزی درسی می توان الگوی تابا را نام برد. هیلدا تابا الگوی چهار مرحله ای تایلر را تبدیل به الگوی هفت مرحله ای نمود. تابا معتقد بود که مدرسان به عنوان مجریان برنامه ریزی درسی باید در ایجاد و تدارک آن شرکت نمایند (فتحی و اجارگاه، ملکی و خسروی، ۱۳۹۴).

الگوی تابا بر این اساس است که کسانی که برنامه ریزی درسی را اجرا می کنند، باید در برنامه ریزی شرکت نمایند. این رویکرد از پایین به بالا است. بر اساس این رویکرد مدرس باید از طریق واحدهای ویژه یاددهی-یادگیری برای

<sup>۱</sup>. دانشیار دانشگاه الزهرا

<sup>۲</sup>. Hilda Taba

<sup>۳</sup>. Dalton plan

<sup>۴</sup>. Boyd's approach

<sup>۵</sup>. John Dewey

<sup>۶</sup>. Progressive educational movement

<sup>۷</sup>. Taba

<sup>۸</sup>. Ralph W. Tyler

<sup>۹</sup>. Isham

فراگیران، فرآیند برنامه ریزی درسی را شروع کند. یعنی با یک روش استقرایی از امور جزئی به طرح کلی برسند. در واقع مدل هفت مرحله ای تابا، بسط ۴ سوال تایلر بود. مولار و زاهوریک<sup>۱۰</sup> بر این باور بودند که قدرت و اثر مدل تایلر نمی تواند اغراق آمیز باشد و قرار گرفتن در خارج از چارچوب برنامه ریزی تایلر دور ماندن از فرض های مسلط جامعه است (سیلور، الکساندر و لوئیس، ۱۳۸۰: ۴۶).

تابا ۷ مرحله اصلی را در مدل خود برشمرد (میرزاییگی، ۱۳۸۱: ۷۱):

۱. تشخیص نیاز
۲. تعیین هدف
۳. انتخاب محتوا
۴. سازماندهی محتوا
۵. انتخاب تجربه های یادگیری
۶. سازماندهی فعالیت های یادگیری
۷. تصمیم گیری درباره آنچه باید ارزشیابی شود و چگونگی انجام ارزشیابی (اهداف، روش، معیار و ابزار)

دغدغه اصلی تابا این بود که برنامه ریزی درسی فاقد یک تفکر زیربنایی نظام مند است. به همین دلیل وی سعی کرده است با تعدیل منطق خطی تایلر برنامه ریزی درسی را به فرایند دوری تبدیل کند که امکان ظهور اهداف و مقاصد جدید در جریان آن وجود دارد. این ایده تابا را می توان به نوعی برگرفته از اندیشه دیویی دانست که برای اهداف آموزشی ماهیتی روئیدنی در نظر می گرفت و معتقد بود که اهداف می توانند از دل تعاملات مدرس و یادگیرنده شکل گیرند (اسمیت، ویلیام و هارلان<sup>۱۱</sup>، ۱۹۵۷).

به اعتقاد تابا برنامه ریزی درسی فعالیتی است که مستلزم تفکر نظام مند بوده و تصمیم های اتخاذ شده در جریان آن می باید از روندی منطقی و معتبر تبعیت کنند. در برنامه ریزی درسی باید به صورت نظام مند و سیستماتیک نیازها و الزامات فرهنگی و جامعه، رشد کودکان، اصول یادگیری، ایده های بنیادین در حوزه های مختلف محتوایی و اشکال خاص تفکر می باید در چارچوبی منسجم گنجانده شوند. تابا در برنامه ریزی درسی خود به بیان ایده خویش می پردازد که این چهارچوب می باید باعث برانگیختن اندیشه، توسعه افکار، پرورش احساسات و عواطف، ایجاد عادات و بهبود مهارت ها شود (تابا ۱۹۶۲؛ پاینار<sup>۱۲</sup>، ۲۰۱۴).

به عقیده تابا یکی از راه های مهم برای حل مسائل مربوط به طراحی و تغییر برنامه های درسی طرح پرسش هایی مناسب با یک روال منطقی است به طوری که برنامه درستی را بتوان با رویکردی نظام مند به گام هایی کوچکتر تقسیم کرد و در هر زمان یکی از این گام ها را مدنظر قرار داد. بدین ترتیب برنامه ریزی درسی به مجموعه ای از گام های متوالی با خاصیت تراکمی تبدیل می شود که هر گام به گام قبلی افزوده تا آن را تعدیل کند. به عقیده تابا برنامه ریزی

<sup>10</sup> . Molar and Zahoric

<sup>11</sup> . Smith, William & Harlan

<sup>12</sup> . Pinar

درسی نه تنها باید از یک روال منطقی برای برنامه ریزی و ایجاد عناصر مختلف برنامه تبعیت کند بلکه باید روشی نظام مند برای تدوین این عناصر و مرتبط نمودن آنها با یکدیگر داشته باشد (فرنکل<sup>۱۳</sup>، ۱۹۹۴).

بنابراین تابا مدلی استقرایی برای برنامه ریزی درسی ارائه داد که مبتنی بر تلاش مشترک مدرسان، یادگیرندگان، مدیران و پژوهشگران است. تابا با در نظر گرفتن نقش محوری برای مدرسان در فرایند برنامه ریزی درسی معتقد است که مدرسان از نیازهای یادگیرندگان آگاه هستند و بدین دلیل می باید به طراحی و تولید برنامه های درسی اقدام کنند. او فرایند برنامه ریزی درسی را با سنجش نیازهای آموزشی آغاز می کند که حاکی از تاکید وی بر نقش مسائل و دغدغه های محیط در تدوین برنامه های درسی می باشد. بطور کلی دو ویژگی مهم مدل برنامه ریزی درسی تابا را می توان به شرح ذیل بیان کرد (تابا، ۱۹۶۷):

۱. تاکید بر حرکت از پایین به بالا (رویکرد استقرایی) باعث شده است تا این مدل برای نظام های آموزشی غیر متمرکز به رویکردی مناسب تبدیل شود.
۲. سادگی، کاربردی بودن و قابل فهم بودن مدل مذکور باعث شده است که این الگو به الگویی محبوب و قابل توجه در بین اندیشمندان و دست اندرکاران تعلیم و تربیت تبدیل شود.

### برنامه ریزی درسی تابا و تفاوت آن با برنامه ریزی درسی تایلر

در اصول اساسی برنامه ریزی درسی تایلر، اهداف این گونه تشریح شده است: کمک به یادگیرنده برای شناخت بیشتر مسائل مختلفی که در توسعه برنامه ریزی درسی و طراحی برنامه آموزشی با آن روبرو می شوند و یافتن تکنیک هایی برای روبرو شدن با این مسائل پایه ای. تایلر یادگیری را به عنوان ایجاد تغییر در رفتار یادگیرنده تعریف می کند که به عنوان رویکرد یادگیرنده محور مطرح می شود. چهار اصل کلاسیک تایلر، که باید به منظور توسعه یک برنامه ریزی درسی پاسخ داده شود (اهداف آموزشی، تجارب یادگیری، سازماندهی آموزش و ارزشیابی)، سال ها به عنوان رویکرد مورد پذیرش در حوزه برنامه ریزی درسی مطرح بود (تایلر<sup>۱۴</sup>، ۱۹۶۹). بعدها تابا به برنامه ریزی درسی تایلر سه مرحله اضافه کرد. تشخیص نیازهای یادگیرندگان به عنوان اولین گام و انتخاب و سازماندهی محتوا به عنوان گام های اضافی دیگر بیان شدند. منطق تابا در برنامه ریزی درسی، از نظریه تا عمل است که شامل ۷ مرحله می باشد. این مراحل در ادامه بیان شده است.

از دیگر تفاوت های برنامه ریزی درسی تابا و تایلر می توان به مواردی که در ادامه بیان شده است اشاره کرد. منطق مدل تایلر قیاسی و مدل تابا استقرایی است. رویکرد تایلر رویکرد مدیریتی است در حالی که مدل تابا رویکرد مدرسان را منعکس می کند. در حقیقت تایلر معتقد است مدیریت باید برنامه ریزی درسی را طراحی کند و مدرسان آن را به کار ببرند. تابا معتقد است که مدرسان، کسانی هستند که از نیازهای یادگیرندگان آگاه هستند، بنابراین مدرسان باید کسانی باشند که برنامه ریزی درسی را توسعه داده و در عمل به اجرا در آورند. البته، منطق او با اهداف عینی

<sup>13</sup> . Fraenkel

<sup>14</sup> . Tyler

آغاز نشده، زیرا او معتقد بود ابتدا باید تقاضا برای آموزش در یک جامعه بخصوص مورد مطالعه قرار گیرد. از دیگر تفاوت های برنامه ریزی درسی تابا و تایلر توجه تابا به انتخاب محتوا و سازماندهی آن با هدف تامین موقعیت یادگیری همراه با ادارک است. درحالی که تایلر تاکید اصلی خود را بر اهداف، ارزیابی و کنترل قرار داده است. برنامه ریزی درسی تایلر برای آموزش و پرورش مبتنی بر بازار مناسب است، در حالی که برنامه ریزی درسی تابا برای پرورش افرادی خلاق و مسئول که قادر به رویارویی با چالش های موقعیت های در حال تغییر مناسب است (شعبانی، ۱۳۹۸؛ بردی، ۱۵، ۱۹۹۲).

بنابراین تایلر نگاه فنی و تکنیکی به برنامه ریزی درسی داشت. اهداف رفتاری از پیش تعیین شده به عنوان نیروی محرکی است که تلاش های آموزشی و به دنبال آن ارزیابی را کنترل می کند. برنامه ریزی درسی تایلر از توسعه اهداف، تنها در مرحله یک برنامه ریزی درسی حمایت می کند. زیرا در این مدل اهداف مهمترین معیارها برای هدایت تمام فعالیت های دیگر برنامه ریزی درسی هستند. اما اصول تابا برای برنامه ریزی درسی بین بودن و شدن در پیشرفت یادگیرنده ها، خودسازی آنها و پویایی در این فرایند مادامالعمر تمایز قائل است. ایده های تابا درباره طراحی برنامه ریزی درسی می تواند به عنوان بسط و توسعه بیشتر ایده های تایلر بر اساس اصول روانشناسی برنامه ریزی درسی تلقی شود. زیرا به آنها ماهیتی آموزشی تر و عملی تر بخشیده است (پری، ۱۶، ۲۰۰۰).

تابا، اهداف آموزشی چندگانه ای در مورد دانش پایه ای، مهارت های تفکر، نگرش ها و مهارت های آکادمیک بیان می دارد. دسته بندی تابا از اهداف آموزشی مشابهت هایی با سیستم نتایج یادگیری رابرت ام. گانیه<sup>۱۷</sup> دارد. همچنین همچنین دسته بندی اهداف آموزشی در سطوح بالا به تابا اجازه داد تا با مجزا در نظر گرفتن انتخاب و سازماندهی محتوای آموزشی و راهبرد های یادگیری، به نکات تایلر درباره تجارب یادگیری، معنای عملی تری بخشد. باید بیان کرد که توسعه استدلال یکی از مهمترین اصول برنامه ریزی درسی تابا است. تابا بیان می دارد که تدریس به انتقال صرف حقایق محدود نمی شود. بلکه به جای آن، ابزاری برای توسعه مهارت های تفکر یادگیرندگان است که از نظر او می بایست ارتباطی فعال و دوجانبه بین یادگیرنده و موضوع آموزشی برقرار کند. او نقش اولیه مدرسان را برانگیزاننده تفکر و محرک پرسش ها می داند. تابا بر اهمیت تجارب دست اول زندگی یادگیرنده به عنوان مبنایی برای دستیابی به عناصر تجربه اجتماعی تاکید می کند. برنامه ریزی درسی تابا هم به مدرس، هم به یادگیرنده و هم به طور وسیعی به جامعه توجه دارد (فرنکل، ۱۹۹۴).

برنامه ریزی درسی تابا به صورت تفکر سیستماتیک<sup>۱۸</sup> است (پری، ۲۰۰۰؛ تابا، ۱۹۶۲). در حالی که برنامه ریزی درسی تایلر دارای تفکر خطی است تا اهداف برنامه ریزی درسی را به سمت تحقق برد. تابا فرایند دایره ای را به تصویر می کشد که در آن به اهداف جدید در طول فرآیند نیاز است و در نهایت، برنامه ارزیابی از نتایج باید صورت گیرد (پاینار، ۲۰۱۴). برنامه ریزی درسی تایلر نقشه منطقی از اهداف آموزشی ارائه می دهد که منطق الگوی رفتارگرایانه<sup>۱۹</sup>

15 . Brady

16 . Parry

17 . Robert M. Gagné

18 . Systematic thinking

19 . Behaviorism

نزدیک است. این کار برنامه ریزی درسی را در حد اهداف و نتایج تنزل می دهد. مدل برنامه ریزی درسی تایلر تنها در گرو ایجاد تغییرات از پیش تعیین شده در رفتار یادگیرندگان است (تابا، ۱۹۶۷: ۱۱).

### پروژه ساخت برنامه درسی مطالعات اجتماعی و پروژه آموزش و پرورش بین گروهی

این دو پروژه از جمله پروژه های مهمی است که تابا در زندگی کوتاه اما پر بار خود به انجام رساند که اهمیت فراوانی در حوزه برنامه ریزی درسی دارند.

۱. پروژه آموزش و پرورش بین گروهی: بعد از وقوع جنگ جهانی دوم، آمریکا به دلیل مهاجرت ها و ایجاد تفاوت هایی میان گروه های مختلف مردم دچار تنش هایی شد. برای همین منظور و در جهت رفع این مشکل گروه پژوهشی تابا پروژه ای در راستای بررسی امکان افزایش سطح تحمل میان مدرسانی که پیشینه های قومی و فرهنگی متفاوتی داشتند طراحی کرده و به آموزش و پرورش آمریکا ارائه کردند. پروژه آنها پذیرفته شد و در شهر نیویورک پیاده سازی شد. در این پروژه بزرگ تابا مدیر بود. اجرای این پروژه با موفقیت همراه بود و باعث شد تا مرکز آموزش و پرورش بین گروهی در دانشگاه شیکاگو بنیان گذاری شود. ریاست این مرکز به تابا سپرده شد. این برنامه های درسی بر چهار موضوع اصلی مرتبط با زندگی اجتماعی متمرکز بودند که در ایجاد تعصبات نقش داشتند (صمدی، ۱۳۹۳: ۳):

۱. تفاوت در سبک زندگی خانوادگی
۲. تفاوت در سبک زندگی جامعه محلی
۳. عدم آگاهی از فرهنگ آمریکایی
۴. رشد و پرورش رابطه صلح آمیز میان افراد

۲. پروژه ساخت برنامه درسی مطالعات اجتماعی: زمانی که هییدا تابا استاد تمام دانشگاه سانفرانسیسکو بود دیگر به خوبی با حوزه های طراحی برنامه درسی، آموزش و پرورش بین گروهی و رشد فرایندهای شناختی آشنایی پیدا کرده بود. او در طی این مدت نشست هایی با متخصصان محتوا، کارگاه های ضمن خدمت و نوشتن، آزمون و بازنویسی راهنماها داشت. پروژه ساخت برنامه درسی مطالعات اجتماعی تابا با شناسایی و تحلیل مشکلات معلمان در حوزه علوم اجتماعی و بیان انتظاراتشان در حوزه برنامه درسی آغاز شد. بنابراین از معلمان خواسته شد تا واحدهای تدریس و یادگیری مدنظر خود را بنویسند و به منظور آگاهی دادن به معلمان سمینارها، نشست های مشورتی، آموزش ضمن خدمت برای آنها فراهم شد. در این پروژه معلمانی که واحدهای تدریس و یادگیری جدیدی تهیه کرده بودند ابتدا در مدرسه خود آن را بررسی کرده و سپس مورد بازبینی قرار می دادند. این روند ادامه پیدا می کرد تا بتوان به نتایجی رسید که پاسخگوی نیازهای معلمان باشد. هدف از این پروژه این بود که الگویی انعطاف پذیر از بازنگری برنامه درسی فراهم شود که بر تلاش های به هم پیوند خورده معلمان و مدیران آموزشی و پرورشی که مسئول برنامه درسی بودند استوار باشد (لوی، ۲۰؛ ۱۹۹۱؛ صمدی، ۱۳۹۳: ۳-۴).

## جمع بندی و نتیجه گیری

امروزه در سیاستگذاری های آموزشی و برنامه ریزی درسی ایده های تابا در حوزه تعلیم و تربیت کاربرد زیادی دارد. زیرا اهداف عینی برای هر مدرس یا برنامه ریز درسی مهم است. برنامه ریزی درسی هفت مرحله ای تابا رویکردی استقرایی و فرآیندی سیستمی (دایره وار) دارد. برنامه ریزی درسی تابا به جای تاکید بر مدیران تاکید بر مدرسان و یادگیرندگان دارد. این یکی از مهم ترین نقاط قوت برنامه ریزی درسی تابا است. تابا بیان می دارد که اهداف عینی برنامه ریزی درسی نیاز به ایجاد یک احساس نسبت به هدف دارند تا مبنایی برای تصمیم گیری باشند. از موارد دیگر مطرح در برنامه ریزی درسی تابا توجه این منطق به شکل گیری نگرش ها، ارزش ها و توسعه ایده های مهم، مهارت های تفکر و مهارت های اجتماعی و علمی (دانشگاهی) است. مدرسان و برنامه ریزان درسی اگر می خواهند به یادگیرندگان کمک کنند تا به بالاترین سطح توانایی و ذکاوتشان برسند، باید نسبت به برنامه ریزی درسی هفت مرحله ای تابا و دو پروژه ساخت برنامه درسی مطالعات اجتماعی و آموزش و پرورش بین گروهی آگاهی کامل داشته باشند.

## منابع

- سیلور، جی. گالن؛ الکساندر، ویلیام ام؛ لوئیس، آرتور جی. (۱۳۸۰). *برنامه ریزی درسی برای تدریس و یادگیری بهتر*. ترجمه غلامرضا خوی نژاد. مشهد: آستان قدس رضوی.
- شعبانی، حسن (۱۳۹۸). *مهارت های آموزشی و پرورشی: روش ها و فنون تدریس*. تهران: سمت.
- صمدی، پروین (۱۳۹۳). *هیلدا تابا. دانشنامه ایرانی برنامه درسی، محور بیست: مشاهیر*.
- فتحی واجارگاه، کوروش؛ ملکی، حسن؛ خسروی، محبوبه (۱۳۹۴). *نوآوری برنامه درسی در آموزش عالی*. تهران: انتشارات خرسندی.
- ملکی، حسن (۱۳۸۵). *برنامه ریزی درسی (راهنمای عمل)*. تهران: پیام اندیشه.
- میرزابیگی، علی (۱۳۸۱). *برنامه ریزی درسی و طرح درس در آموزش رسمی و تربیت نیروی انسانی*. تهران: یسپرون.

Brady, E.H. (1992). Hilda Taba as a prominent figure in educational science: her life and scientific career in the United States. *In: Jubilee Conference Hilda Taba—90: invited addresses and reports*, p. 7–14. Tartu, Estonia: University of Tartu.

Fraenkel, J.R. (1994). The evolution of the Taba curriculum development project. *The social studies (Washington, DC)*, 85 (4): 149–59.

- Isham, M. M.; Taba, H. (1982). Pioneer in social studies curriculum and teaching. *Journal of thought (San Francisco, CA)*, 17 (3): 108–24.
- Lewy, A., ed. (1991). *The international handbook of curriculum*. Oxford, UK: Pergamon Press.
- Parry, L.J. (2000). Transcending national boundaries: Hilda Taba and the ‘new social studies’ in Australia, 1969 to 1981. *The social studies (Washington, DC)*, 91 (2): 69–78.
- Pinar, William F. (2014). *International Handbook of Curriculum Research*. USA: Routledge.
- Smith, B. O.; William O. S.; J. Harlan S. (1957). *Fundamentals of Curriculum Development*. USA: Harcourt, Brace & World.
- Taba, H. (1932). *The dynamics of education: a methodology of progressive educational thought*. London: Kegan Paul, Trench, Trubner & Co.
- Taba, H. (1962). *Curriculum development: theory and practice*. New York, NY: Harcourt, Brace & World.
- Taba, H. (1967). *Teacher handbook for elementary social studies*. Palo Alto, CA: Addison-Wesley.
- Tyler, R.W. (1969). *Basic principles of curriculum and instruction*, 2nd ed. Chicago, IL: University of Chicago Press.